

استقرار حاکمیت ملی هدف جبهه ملی ایران است

بار دیگر هشدار می دهیم، حاکمیت در هر لباسی که باشد (نظامی ، امنیتی، روحانی و یا هر شکل دیگر) تا دارای پایگاه ملی مردمی نباشد و دموکراسی را باور نداشته باشد و بر اصل تعامل منطقی با جهان تکیه نکند، قادر بر نجات میهن از بحرانهای فزاینده نخواهد بود

می شود چون دادگاه و یا شخصیت عادلانه ای یافت که او را شکایت برد و از خداوند منان داوری و یاری طلبید؛ ولی هیچیک تأثیری در نتایج از پیش تعیین شده نگذاشتند. حکم ریاست جمهوری صادر شد و آقای احمدی نژاد وزرای خود را به مجلس مورد قبولش معرفی کرد. هیات دولت از تعدادی فرماندهان سپنج و سپاه که از مدیریت کلان بی خبرند و شماری مدیران دست سوم و بالاخره برخی چهره هایی که در همه سالهای بعد از انقلاب به عنوان تجسم کامل خشونت شناخته شده اند تشکیل یافت. برنامه دولت در قالب "میتاق نامه" که هشت ماده ای که به امضای یک یک وزراء قبل از معرفی آنها به مجلس رسیده مشخص می شود، تعهد و باز هم تعهد به "حکومت اسلامی" بدون اشاره ای به کلمه جمهوریت که در قانون اساسی مورد قبول حاکمان آمده است و بازگشت به اهداف صدر انقلاب!

فرزاد روزی که حکم رئیس جمهوری به نام آقای احمدی نژاد صادر شد تعامی به او گوشه رسید که او منتخب فقیران و پروریش در نتیجه قیام گروه های فقیر علیه ثروتمندان است! اصول گرایان و محافظه کاران سنتی آنرا ایدئولوژی جدیدی تعبیر کردند. در اینجا فرصت پرداختن و تجزیه و تحلیل آمار وزارت کشور در مناطق خلف ایران نیست، ولی نظری اجمالی بسادگی بیانگر این واقعیت است که آقای احمدی نژاد در مناطق فقیرنشین و عقب نگه داشته شده، کمترین رأی را کسب کرده اند و اگر بیازد میلیون آراء محافظه کاران و بازاریان و هیت منزلفه را که در دور دوم به آراء ایشان افزوده شد را بنگریم، چه کسی می تواند مدعی شود که ثروتمندان و صاحبان بازارهای ایران اکثریت این یازده میلیون نباشند؟ برخورد غیر مردمی موزان شورای نخست با اسدکوب خشونت باز مردم شوره های مهیاب و بوکان، سنندج و اهواز که نشانگر سیمای آزادی سبز حاکمیت نظامی، امنیتی است و برخورد خشونت باز با کارگران زحمتکش شرکت و انویوسرانی تهران که خواستار افزایش حقوق تا حد خط فقر هستند و استخراج مفهده کارگر برای اعلام این خواسته ها ادامه در صفحه ۶

در اختیار خود گرفته بود، مجلسی که راه یافتگان به آن با قلب های فاحش انتخاباتی بر ضدلپهای نمایندگی ملت تکیه زده بودند. سرداران و فرماندهان سپاه که گاه و بیگاه در دوران آقای خاتمی با اظهارهای تندی ابراز وجود می کردند، این بار سازمان یافته تر با مصاحبه ای از سوی یکی از این سرداران آآمدگی خود را برای در دست گرفتن مدیریت کشور در تمام سطوح اعلام نمودند. جبهه ملی ایران که قاتن اساسی را فاقد ظرفیت لازم برای انجام انتخابات آزاد در تمام سطوح نمی بیند بر دموکراسی شناخته بود، در اعلامیه هایی ضمن شرح اوضاع کشور و جهان رأی مردم را در انتخابات ریاست جمهوری بی اثر دانست و عدم شرکت خود را به آگاهی همگان رساند. و با حضور در کنار گروه های کثیری از فعالان سیاسی، کارمندان، کارگران، معلمین، و کلاهی دادگستری، روزنامه نگاران، دانشجویان و استادان، در دو بیانیه معروف ۵۶۵ و ۶۱۳ امضایی به تحلیل شرایط سیاسی پرداخت و انتخابات ترندی برای توجیه اقدامات غیر مردمی نظام تلقی نمود و امضا کنندگان بیانیه ها انتخابات را نمایشی دانستند که از پیش نتایج آن رقم خورده است.

حاکمیت بدون توجه به واقعیت ها با آوردن چهره های آشنا و ناآشنا بیدان انتخابات برای بهره بردن از آراء بخشی از مردم که همیشه با تمهیداتی می توان آنها را به پای صندوقها کشید یا به صحنه گذارد. میلیاردها تومان از طریق لابی دزدگان شورای نگهبان خرج تبلیغات انتخاباتی شد که در تاریخ انتخاباتی ایران بی سابقه بوده است. آنچه برای انتخاب شخص بنام رئیس جمهور که قاتن اساسی و ساختار حاکمیت است اساسا از سلب اختیار کرده و شخصیت او را تا سطح یک مجری تصمیم گیرهای دیگران کاهش داده است. در این سناریوی انتخاباتی بیش از سیصد هزار بسیجی و سپاهیان دخلت آشکار داشتند. قلب های معمول صندوقها و..... آنچنان گسترده بود که داوطلبان انتخاباتی سرشناس را یکی به ناله و فغان و نامه نویسی و تمایل به تحسین کشاند و دیگری را که مرد نیز و مندم نظام نامیده

شرایط درونی و تحولات جهانی حدود هشت سال پیش، گردانندگان آشکار و نهان حاکمیت در ایران را بر آن داشت تا با بمرحله ای نوین پای نهادن. انتخابات ریاست جمهوری بگونه ای برگزار شد که ظاهرا با گذشته متفاوت باشد و نوید مردمسالاری و انجام اصلاحات دهد. این اقدام نوری از امید در دل های خسته مردم بجان آمده از استبداد میدید. ولی دیری نپایانید که امیدها به پآس گرائید و شرکت کنندگان در انتخابات در دو دوره چهار ساله سرانجام در ریفاگوی فریب خوردگی های خود شدند. از اصلاحات و خروج از ناپساامانیا به حرکت به سوی دموکراسی جز پوسته ای بدون محتوا نیافتند و راهی برای وصول به آرمانهای خود نتجستند. پآس و بی تفاوتی در احکوداران و ناتوانی در آزادی اصلاح طلبان حکومتی میدفرو ما شد. از سوی دیگر محافظه کاران سنت گرا از همان زمانیکه بطور موقت از صحنه برون رفتند در تهیه و تدارک بدست آوردن از دست داده ها و استحکام پایه های حاکمیت خود بر آمدند. دولت خاتمی در برنامه توسعه قدرت سیاسی خواسته و ناخواسته در برابر صاحبان واقعی قدرت در حکومت عقب نشینی کرد و در ماهها و سالهای بعد نتوانست به آنچه اعلام کرده بود دست بیاید. تعطیل دهها نشریه و محاکمه و محکومیت گردانندگان آنها بخشی و نمونه ای از شکست برنامه اعلام شده داخلی آقای خاتمی بود. دیویسیاست خارجی نیز که مبتنی بر دست زدهای بود، در برابر اراده همان قدرتی که آمدن خاتمی را اجتناب پذیر کرده بود سر تسلیم فرود آورد و در حالیکه فضای مناسب برای حضور موثر ایران فراهم بود، دو سال آخر را چون فرامیزی مطیع سرگرم سفرهای تشریفاتی و با حضور در جلساتی گشت که خودنیک می دانستند که حضور و عدم حضورشان تأثیری در تصمیمات نخواهد داشت. ایشان در برابر اعتراض مردم و بعضی از یاران دیروزشان سرانجام گرفتار قاتن موجود، رئیس جمهور یک کشور شدند. تدارکات چی بیشتر نیست. این گفته زمانی بیان گشت که جناح دیگری از نظام با انتخاباتی غیر آزاد مجلس هفتم را

بار دیگر هشدار می دهیم، حاکمیت در هر لباسی که باشد...

ادامه از صفحه ۱

که در پی آن اعتراض گسترده مسالمت آمیز آنها را بصورت روشن کردن چراغ اتوبوسها (به گفته مدیرعامل شرکت واحد چهارده هزار اتوبوس) از ۶ صبح تا شامگاه برای رساندن صدای اعتراض خود بگوش دولتمردان را در پی داشت، همه و همه نشان دهنده تداوم محدودیت ها و نبودن آزادی بیان و اجتماعات در روزهای آینده است. پیامهای حاکمیت آینده ای تاریک را برای ملت ما ترسیم می کند. اگر شیفگان قدرت چون سالهای گذشته بخواست ملت گرد نهند، همچنان که بارها گفته ایم تحولات و نظرات جهانی چنان پیش می رود که از ناک نشان نانی باقی نخواهد گذاشت، جبهه ملی ایران نظام را در تغییر و تحول جدید چه در ابعاد گسترده در سیاست داخلی و چه در روابط بین المللی مهار بپردازد که در آن حقوق نشر و استفاده محدود از انرژی اتمی مطرح است نتواند و ناموفق ارزیابی می کند. ما بر آن باوریم تا نظامی دارای پایگاههای مردمی و ملی واقعی نباشد و دموکراسی را اساس و پایه همه برنامه های خود قرار ندهد و به اصل برقراری تعامل با کشورهای منطقه و جهان باور نداشته باشد، در هر لباسی که باشد، نظامی، امنیتی، روحانی، و یا هر شکل دیگر قادر به آن نخواهد بود تا کثوری با موفقیت بسیار حساس و ممتاز استراتژی خود چون ایران را در چارچوب حفظ منافع ملی، یکپارچگی سرزمین و کام برداشتن توانمند در مسیر توسعه پایدار، هدایت کند و به توفیق دست یابد. در آن نجات مبین تمکین در برابر خواست ملت و گردن نهادن به استقرار حاکمیت ملی است و بس.

آمریکا در جستجوی بهانه

علی لاریجانی مسئول جدید مذاکره درباره پروژه هسته ای ایران، تهدیدات اروپائی ها و آمریکا را بلوف می داند و خوشبینانه معتقد است-اولا کشورهای غیر متعهد و مسلمان ضعیف شورای آژانس پیو ملیتی نمی گذارند پرونده ایران به شورای امنیت ارجاع شود و اروپائی ها هم در پی این امر را شکست خود می دانند آنرا استقبال نخواهند کرد و در شورای امنیت هم چین و روسیه هر گونه قطعنامه را بر علیه ایران رد و اتو خواهند کرد و گذشته ایران نیز تحریم های احتمالی بر علیه ایران نیز نیز کار ساز نخواهد بود، زیرا ایران به این گونه تحریم ها عادت کرده است-علاوه بر این عوامل بارز دارند-اما در اختیار دارد که دنیامتی تواند آنرا نادیده بگیرد. برخی از تحلیل کار معتقدند آمریکا که متعلقه به ایستاد نظامی خود در دوره است، در فکر وصل کردن آخرین حلقه اتصال، یعنی ایران است و به موازات تکمیل برنامه مایش، به دنبال بهانه برای دست اندازی به کشور ماست. بهانه هائی که ناشی گری دست اندر کاران می تواند برای او بر احتی امکنش و افراهم بسازد تا اجتماع جهانی را بر علیه ما بدست آورد.

گفت و گو با فعالان سیاسی درباره تشکیل جبهه دموکراسی خواهی جبهه دموکراسی، در ابهام

پارتح شمار لزوم تشکیل جبهه دموکراسی خواهی در دوران مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری، توسط دکتر مصطفی مین، جامعه روشنفکری ایران بار دیگر با سئوالی تاریخی در ارتباط با تشکیل این جبهه روبه رو شد. با توجه به سلاطین مختلف و تعریف نشده در جامعه ایران، تشکیل جبهه دموکراسی خواهی یک شعار است. با امکان عملی آن هم وجود دارد. بابک مهدی زاده، در پی گفتگو با فعالان سیاسی ایران با پرویز رجواند سخن گفته است. وقتی طرح تشکیل جبهه دموکراسی خواهی داده شد-به ظاهر اعلام شد که برای راه ورود تمام نیروهای دموکراسی خواه باز است اما نیروهای بودند که به خاطر اختلافات ایدئولوژیکی حاضر نشدند-به این جبهه پیوندند. جبهه ملی یکی از آن گروه ها بود. جبهه ملی که به جدایی دین از حکومت معتقد است، اگر چه به تشکیل این جبهه اعتقاد دارد، اما راه خود را از طراحان جبهه دموکراسی خواهی که روشنفکران دینی محسوب می شوند، جدا می کند. پرویز رجواند، سخنگوی جبهه ملی ایران ضمن تبیین مواضع گروه خود از تشکیل جبهه ای متشکل از نیروهای ملی دموکراسی خواه خبر می دهد. هر چند در حالی خیلی خوش بینانه، پیوند این دو جبهه را نیز غیر عملی نمی داند. می گوید:

همان زمانی که آقایان عنوان کردند که آقای عباس امیرانظام و بنده از تشکیل این جبهه حمایت می کنیم مایاتیه مشترک داریم و توضیح دادم که ما جبهه دموکراسی خواهی را به صورت تکنگره ملی عنوان کرده ایم و امید داریم با تشکیل تکنگره ای ملی با مشارکت همه چهره های فعال سیاسی، آن را سازماندهی کنیم. اما این تکنگره با جبهه فوق الذکر آقایان دو تفاوت دارد. یکی مربوط به دیدگاه ما در خصوص لزوم دوری بودن ساختار حکومت از مذهب است، که این برای ما یک اصل است، و دوم اینکه ما معتقدیم ساختار قانون اساسی موجود باسختگی حرکت در مسیر دموکراسی و حاکمیت ملی نیست. بنابراین جبهه ملی امید دارد بتواند با هماهنگی سازمان ها و افراد مختلف، به نگرش ملی دارند، جریان گسترده ای به نام تکنگره ملی یا هر نام دیگری که مورد قبول همگان باشد، سازمان دهد کند تا بتواند در عمل یک جریان گسترده حرکت مدنی در جامعه ایران را به سامان برساند و همراه با جریان NGO ها، دیدگاه دموکراسی خواهی را گسترش دهد.

آیا تشکیل این تکنگره به مرحله اجرایی هم رسیده است؟

مذاکراتی در پیش است و با توجه به تحولاتی که بعد از انتخابات صورت گرفته و با شفاف تر شدن فضای سیاسی، امید داریم برای رسیدن به مرحله اجرایی یک کام اساسی و محکم برداریم.

این تکنگره متشکل از چه گروه ها و افرادی است؟

همه کسانی که به مسئله استقلال، تمامیت ارضی، یکپارچگی ایران و استقرار حاکمیتی مبتنی بر دموکرات می اندیشند و مسئله نقش آفرینی ملت را به عنوان صاحب اصلی سرزمین باور دارند و هیچ مقامی را به عنوان مقامی فراتر از رای و تصمیم ملت پذیرا نیستند، می توانند این تکنگره عضو شوند.

طراحان جبهه دموکراسی خواهی نیز چنین هدفی دارند. پس چرا در یک جبهه جمع نمی شوید؟
بین این دو جریان اختلاف دیدگاهی وجود دارد. اما همه کسانی که در این چارچوب همسو باشند و از این حرکت حمایت کنند می توانند در یک جبهه به فعالیت بپردازند.

آیا تشکیل دو جبهه تقریبا همسو منجر به تضعیف یکدیگر نمی شود؟

این مردم ایران هستند که باید تصمیم بگیرند که کدام جریان را پشتیبان نشان دهند. تلاش ما این است که با عرضه دیدگاه های خود، شرایطی به وجود آوریم تا جامعه درست تصمیم بگیرد و بگوید که نیاز واقعی اش چیست. اگر جامعه تشخیص داد که می تواند در این مسیر یکی را برگزیند، ما کام مورد نظر را برداشته ایم. این دو جریان می توانند مطرح شوند و در صورت اقبال مردم می توان ارزیابی کرد که کدامیک بیشتر موفق به جذب مردم خواهند شد. در صورت وقوع پیوندها بکنگر می آید نادره که این دو جبهه به موازات هم در مسیر توانمند سازی دموکراسی فعال باشند. حداقلشن این است که جریان هایی با گرایش های مختلف در مسیر دموکراسی کام بر خواهند داشت.

با این حال فکر نمی کنید وجود یک جبهه، قوی تر و تاثیر گذارتر باشد؟

پی برورد کردن چنین است و بعد ما نیست که فضای ایران ایستاد مناسب شود که سرانجام این جریان به سمت و سوی یک جریان گسترده واحد برود. اما به نظر من در وضع موجود این کار زود است، چون هیچ کدام از این دو جریان به مرحله اجرایی نرسیده اند.

اگر در همان کام اول اختلافاتی جبهه ای کنار گذاشته شود، کام های بعدی محکم تر برداشته نمی شود؟
این یک ایده آل است و ایده آل ها همیشه زیبا هستند اما با واقعیت فاصله دارند. اختلافات هم جزئی نیستند، بلکه یک نگرش کلان تر وجود دارد. ما با جریان ضمن حرمت گذاردن به ارزش های معنوی مذهبی، معتقد است مذهب نباید در حکومت نقش آفرین باشد و جریان مقابل چنین عقیده ای ندارد.

ساخت سد سیوند و زیر آب رفتن آثار باستانی ایران در گفت و گو با دکتر پرویز ورجاوند

خبری در مذاکره برای ایران دوستان این روزها مستتر شده که از چند ماه دیگر سد سیوند واقع در ۱۰ کیلومتری تخت جمشید آغاز به آبیگری می کند و بدان چند تن بسیار مهم تاریخی ایران که از میراث فرهنگی جهان به شمار می رود به زیر آب خواهند رفت، از جمله پاسار گاد یا آرامگاه زکریا آن، کارشناس می گویند که پس از آبیگری سد سیوند تخت جمشید نیز به تدریج فرو خواهد ریخت. تلاشهایی از سوی باستان شناسان و مدافعان حقوق بشر در جهت برانگیختن مسئولان امر به چشم پوشی از این طرح انجام گرفته است، اما تا کنون نتیجه بوده است. در رابطه با اینکه چرا اقامتات دولتی در برنامه زیربهای عمرانی خود با مسوولان سازمان حفظ میراث فرهنگی مشورت نمی کنند دوپویه (له صدای آلمان) دکتر پرویز ورجاوند، باستان شناس و وزیر فرهنگ پیشین ایران، در کابینه دولت مهدی بازرگان، دعوت مصاحبه کرد.

دوپویه، وله آقای دکتر پرویز ورجاوند، شما کی و چگونه از طرح ساخت سد سیوند آگاه شدید؟ منظورم از این سوال اینست که چرا اینقدر دیر هنگام و حالا که تصمیم ها گرفته شده، این موضوع به بحث عمومی تبدیل شده است؟

پرویز ورجاوند: این یک معضل بزرگی است که طی چندین دهه در ایران از آغاز زمان حرکت نسواری در ایران طرح - همه گذشت تا بحال، این مشکل فروری جایگاههای باستانی در ایران بوده است. یعنی اینکه در تمامی طول دوران گذشته و تا به امروز مسئله حفظ میراث فرهنگی جایگاههای باستانی و تاریخی بعنوان یک اصل مسلم و بعنوان سازگار هر اقدام عمرانی هیچگاه مورد توجه نبوده است. شما وقتی برنامه های توسعه جمهوری اسلامی را نگاه کنید، غیر از برنامه ی چهارم، که اگر اشتباه است، مانده به مسئله میراث فرهنگی در آن اشاره شده، در سه برنامه ی نخستن در پیوند با مسئله ی آثار باستانی و میراث فرهنگی ایران هیچ ذهنیتی را نمی بینید. همانطور که در برنامه ی این دولت نهم هم، در این زمینه انتیخابات، نه در جریان پس از انتخابات و نه برنامه آن چیزی که به ذهن آقایان نرسیده و قبول ندارند که آن بهر زمان، باید با پاسداری از میراثی فرهنگی ایران است. در تمام دنیا، حتی کشورهایی که دارای یک پیشینه گسترده و کهنی نظیر ایران نیستند، این شیاطین وجود دارد که هر فعالیت عمرانی در مرحله ی ساخت و ساز باید با احداثی های که کار پاسداری از میراث فرهنگی را بر عهده دارند هماهنگ شود. یعنی وزارت فرهنگ و وزارت نیرو برای سدسازی و راهسازی و برای هر نوع فعالیت عمرانی دیگر باید از مرحله آغاز کار تعیین مسیر و مکانیابی برای جلوگیری از طغیان خوردن به جایگاههای باستانی از گروه های باستان شناس بهره بگیرند. ما سلاست ما ناگزیریم که شهرک های مختلف و با شهرهای اقماری را در کنار شهرهای بزرگ ایران وجود بیاوریم برای اینکه سرباز شهرهای بزرگ را به آن منتقل کنیم. وقتی

که هم آن پروژه به مرحله ی اجرا در بیاید و درست اجرا بشود و هم اینکه بتوان تا حد ممکن بخشهای قابل ملاحظه ای از آثار از انهدام و نابودی نجات داد. بنابراین: بحث در این است که برای اقدامهای عمرانی مختلف و گسترده چگونه باید عمل کرد که هم آن کار عمرانی درست صورت بگیرد و هم لطمه کمتری به میراثی فرهنگی و آثار باستانی وارد بیاید.

اگر قرار است پروژه ی مربوط به مطالعه ی یک سد شصتا یک برنامی ی ششماهه یا یکساله را برای مکانیابی در نظر بگیرید می توانید یکسال به عمر این بررسی اضافه کنید تا گروه های باستان شناس بتوانند منطقه ای را که زیر پوشش طرح جدید عمرانی قرار می گیرد از نقطه نظر شناسایی آثار باستانی بررسی کنند و با یافتن جایگاههای بااربعیت یا بحریمان طرح به تفاهم برسند تا که تغییراتی را در مکان مورد نظر وجود بیاورند، تغییرات و جایگاهی هائی که بتواند مانع نابودی آنها بشود و یا اگر در آخرین حد ممکن هیچ راه حلی برای این جایگاهی ها موثر نباشد آن فرصت بدست بیاید تا آنها بتوانند در آن مکانها بسته کارشناسی بپردازند یا بر اساس آن کارونها بتوانند آن جایگاهها باستانی را مورد شناسایی و مستند سازی قرار بدهند و آثار و ارزشهای آن را بعد موزه ای، از بعد تصویری، از بعد طرح و نقشه و گزارش ثبت و ضبط کنند.

دوپویه، وله آقای ورجاوند، این پرسش مطرح می تواند شود که اگر فرض کنیم منظور از آثار گذشتگان یک امدادهای ای، با دو مفاد مسئول به این سادگی تصمیم می گیرند؟

پرویز ورجاوند: متأسفانه این رفتار و عملکرد بد آقایان این ذهنیت را بوجود آورده است که حاکمیت با آثار باستانی سر ستیز دارد. از نظر من هر کسی که به مسئله ی میراث فرهنگی ایران توجه دارد یک امداراده هم بشرطی که از بعد آثار اثری را گرفتار بشد تا بدلیلت حفظ دارد و آن بعد، مربوط به این جنبه ای اعتقادی جامعه هم، اهمیت دارد که حرمت آن نگه داشته بشود. من خواستم بگویم که مشکل بزرگی که ما در کشور داریم عبارت از اینست که آن کسانی که تصمیم گیرنده هستند و نامین اعتبار می کنند، این هنوز از یک شناخت و فرهنگ لازم در زمینه ی ارج گذاردن بر میراثی فرهنگی این سرزمین و جایگاههای باستانی این مملکت برخوردار نیستند و بنابراین، با توجه به یک چنین شناخت منفی ای که در این گروه وجود دارد ما همیشه شاهد این هستیم که در موارد مختلف و به گونه های مختلف لطمه های سنگینی به جایگاهها و آثار باستانی و میراثی فرهنگی ایران وارد آمده است و به اعتباری کمتر روزی است که خبر کاروری در زمینه ی اینجا و آنجا این سرزمین کهنسال و پربار بگوش نرسد.

دوپویه، وله آقای دکتر پرویز ورجاوند، از اینکه دعوت ما را به این مصاحبه پذیرفتید، از شما بسیار سپاسگزارم.

میخواهد این مکانیابی صورت بگیرد، باید در کنار هیات شهرسازی ای که مسایل را از بعد شهرسازی و جغرافیایی بررسی می کند، به برور برگرد باید یک گروه باستان شناس همراش باشد تا به آنها توجه بدهد. منطقه را بررسی کند و با گمانه زنیها تعیین کند که کجا اثر وجود دارد و باید چه ساخت و ساز نژند. مسئله ای که مهم است عبارت از اینست که ایران سرزمینی است گسترده که آثار باستانی و میراثی فرهنگی کهنسالی در این گستره ی عظیم برانگشته است. بنابراین، امکان این را ندارد که بشود تمام این مکانها را مورد بررسی جامع قرار داد و جایگاههایی را که شناسایی می شود کاروش کرد. آثار را بیرون آورد، به این اعتبار ناگزیر باید دستگاههای عمرانی همزمان با دستگاه میراث فرهنگی هماهنگی ایجاد کنند از مرحله ی بررسی، نه از مرحله ی بعد از اجرا. گرفتاری داستانی مثل سد "سیوند" مربوط به اینست که سد زده می شود، می خواهد دریاچه آبیگری بشود، تازه امروز متوجه می شوند که پشت سد این و این گستره ای که زیر آب خواهد رفت آثار متعددی مربوط به چندین هزار سال پیش است. هر امروز قرار دارد.

دوپویه، وله پس آقای ورجاوند سازمان میراث فرهنگی پس از اجرای طرح ساخت سد سیوند بوده که متوجه این جنبه ی طرح شده است؟

پرویز ورجاوند: سازمان میراث فرهنگی از زمانی به تکاپو افتاده که مرحله ی اجرایی کار رسد آغاز شده و مسئله اینست که حالا کی گستره ای بصورت دریاچه بوجود خواهد آمد، این گستره ی پشت سر می تواند بشود که احتمال زیاد دره جایگاههای باستانی و پیش از تاریخی در آن وجود داشته باشد و از زیر آب ببرد.

دوپویه، وله آقای دکتر ورجاوند، رییس سابق سازمان میراث فرهنگی، آقای مرعشی، گفته اند که سدسازی لازمی تمدن امروز و آینده است و فرد انسانی توان خدای وجود و حفظ آثار گذشتگان کرد. پاسخ شما به این حرف چیست؟

پرویز ورجاوند: ایشان بهتر است که در چارچوب شناخت و اطلاع میراث خوششان سخن بگویند. کسانی که به مسئله ی حفاظت میراث فرهنگی و آثار باستانی توجه دارند، هیچگاه توجه شان را از حرکت موثر در زمینه ی کارهای عمرانی و نیازهای کشور دور نمی دارند و این واقعیت بیانه معتقدند که عمرانی از موارد ناگزیر خواهد بود که به اعتبار نیازهای اجتماعی کشور به برخی از مشکلات در پیوند با آثار باستانی تن دریدند. ولی نکته ای که اینجا مطرح است عبارت از اینست که همانطور که در آغاز اشاره کردم، کارهای عمرانی از مرحله ی بررسی و تصمیم گیری، اگر در چارچوب هماهنگی با گروه های باستان شناسی صورت بگیرد، در جریان تهیه طرح و پروژه می شود با اعتبار اظهارنظرهای علمی باستان شناسان تغییرات و جایگاهی های را در مورد پروژه های عمرانی وجود آورد

مراسم سالگرد کودتای ۲۸ مرداد

نکته های اقتصادی

ایران در رتبه ۱۱۱ جهان از لحاظ درآمد سرانه قرار گرفت

بانک جهانی اعلام کرد، ایران از لحاظ درآمد سرانه ناخالص ملی در میان ۲۰۸ کشور جهان در رتبه یکصد و یازدهم قرار دارد.

به گزارش بانک جهانی، درآمد سرانه ایران در پایان سال ۲۰۰۴ به دو هزار و ۳۰۰ دلار رسید، و بدین ترتیب ایران در میان ۲۰۸ کشور جهان در رتبه یکصد و یازدهم قرار گرفت. بر اساس این گزارش، از لحاظ درآمد سرانه ایران در خاورمیانه نیز پس از کویت، اسرائیل، بحرین، عربستان سعودی، عمان و لبنان در رتبه هفتم قرار گرفت.

بانک جهانی درآمد سرانه کویت را ۱۷ هزار و ۹۷۰ دلار اعلام کرده و این کشور را در رتبه ۳۹ جهان قرار داده است. همچنین اسرائیل با درآمد سرانه ۱۷ هزار و ۳۸۰ رتبه ۴۰، بحرین با ۱۲ هزار و ۴۱۰ در رتبه ۵۱، عربستان با ۱۰ هزار و ۳۳۰ در رتبه ۵۶، عمان با هفت هزار و ۸۹۰ در رتبه ۶۲، و لبنان با چهار هزار و ۹۸۰ در رتبه ۷۵ جهان قرار گرفته است.

۱۴ میلیون نفر از مردم ایران با کمتر از یک دلار در روز زندگی می کنند

براساس آخرین آمار منتشره از سوی بانک جهانی یک میلیون و چهارصد هزار نفر در ایران (در درصد از جمعیت این کشور) با کمتر از یک دلار در روز زندگی می کنند. بانک جهانی در آخرین گزارش خود در مورد وضعیت فقر در جهان اعلام کرد ۱۱ درصد از مردم جهان معادل یک میلیارد و هشتاد و نه میلیون نفر با درآمدی کمتر از یک دلار در روز روزگار می گذرانند.

براساس این گزارش در جمهوری اسلامی ایران نیز بیش از دو درصد مردم معادل یک میلیون و سیصد هزار نفر با درآمدی کمتر از یک دلار در روز زندگی می کنند.

مشکلات و ناسامانیهای اجتماعی

نقش کارکنان حکومت در قاچاق مواد مخدر

عضو هیات رئیسه کمیسیون اجتماعی مجلس گفت: روزانه دست هفت نفر از درون نظام در قاچاق مواد مخدر شناسایی می شود بر این اساس قطعاً بدون حمایت نیروهای داخل حاکمیت، میزان کثونی از حجم قاچاق مواد مخدر در کشور غیر ممکن است. محمد عیاسپور در گفت و گو با خبرنگار «اینا» افزود: براساس تحقیقات به عمل آمده، روزانه تا نقره در ارتباط با مواد مخدر و دخالت در تسهیل ورود و توزیع آن در کشور شناسایی می شوند.

وی ادامه داد: نیروی انتظامی امور زندان ها، بست های قرنطینه ای و ستاد مواد مبارزه با مواد مخدر از جمله نهادهایی هستند که امکان حضور نیروهای نفوذی در آنها وجود دارد و عضو هیات رئیسه کمیسیون اجتماعی گفت: در این زمینه عیاسپور افزود: به عنوان مثال حجم بالای توزیع انواع مواد مخدر در زندان ها، قطعاً نمی تواند از طریق زندانبانان و خانواده های آنها باشد مطمئناً افرادی نفوذی از داخل نظام در این مساله دخیل هستند.

وی با تأکید بر لزوم تبدیل شدن ستاد مبارزه با مواد مخدر به یک سازمان مستقل گفت: تا چه زمان جبهه مردم با نیاها صورت های مالی و انسانی و در رابطه با مواد مخدر بدون هیچ کاری می بیند تا بعد از مرگ شناسایی و معرفی و برخورد با نیروهای نفوذی در حاکمیت می توان انتظار داشت سرمایه گذاری برای مقابله با مواد مخدر اثر بخش خواهد بود.

نماینده ارومیه افزود: همچنین به عنوان نمونه چطور می توان قبول کرد بدون دخالت برخی نفوذی ها در سازمان های، برخی مسافران هواپیمایی، بعضی استادان و معلمان قادر بودند انواع مواد مخدر نظیر قرص های روان گردان را از هلند و دانمارک وارد کشور کنند.

به مناسبت پنجاه و دومین سالروز کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، در روز آینه ۲۸ مردادماه آقایان دکتر حسین موسویان، رئیس هیئت اجرایی جبهه ملی ایران و دکتر مهدی مویزاده، رئیس شورای مرکزی و مسئول کمیته تعلیمات جبهه ملی ایران در انجمن افراز به بررسی زوایای مختلف این رویداد پرداختند.

دکتر موسویان در ابتدا به این مسئله اشاره کرد که طی صدها سال اخیر ده ها تن در ایران به نخست وزیری رسیدند و در میان آنها تنها هفت نفر استعداست که پس از ۵۰ سال همواره در افکار عمومی و دل ملت ایران جای دارد و افکار و اندیشه های او هنوز پس از سالیان درازی که از فوت ایشان می گذرد بعنوان یک فکر ملی، نفوذی و تعالیخواه در نزد ملت ایران مطرح است و علت این امر راه باید عملکرد، رفتار و اعتقادات دکتر مصدق دانست. ایشان با اشاره به مبارزات دکتر مصدق در سالهای پس از شهریور ۱۳۲۰ و نقش پیشرو وی در مجلس چهاردهم در خصوص تأسیس جبهه ملی ایران از میان متحصنین دربار و مبارزات این جبهه اشاره کرد. دکتر موسویان سپس به طرح شعار ملی شدن صنعت نفت توسط فراکسیون کوچک ۸ نفره جبهه ملی در مجلس پرداخت.

دکتر موسویان در ادامه افزود با نگاهی گذرا به برنامه ۲ ماده ای دکتر مصدق می توان فهمید که دکتر مصدق دقیقاً توجه مبارزه با امپریالیسم پیر انگلستان از طریق اجرای قانون ملی شدن نفت و استقرار حاکمیت ملی و دموکراسی از طریق انتخاب شدن نمایندگان واقعی ملت در پی اصلاح قانون انتخابات بود و همه این خواسته ها در این برنامه دو ماده ای کوتاه منجلی می شد. بنابراین استقلال و آزادی و مبارزه با استعمار و استقرار حاکمیت ملی در این برنامه خلاصه گردیده بود.

دکتر موسویان به این امر اشاره نمود که مجلسی که به دکتر مصدق رای اعتماد داد دارای اکثریت مخالف بر نامه های ایشان بوده و تنها زیر فشار افکار عمومی و تظاهرات متعددی در آن روزها به جانبداری از دکتر مصدق بر گرامی می گردید. به ناچار دولت مصدق را بر گزید. ایشان اشاره نمود که در دکتر مصدق به یاری ملت توانست حاکمیت را بر حاکمیت تحمیل نموده و کار اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت را به پیش ببرد. موسویان پس از اشاره به جریان تشکیل کمیسیون مخلط نخل و خلع بد از شرکت نفت انگلیس به شرایط فزاینده اعتراضی موسس شرکت ملی نفت منتصب دکتر مصدق در خلع بد از شرکت نفت انگلستان به روند استقرار اعضای شرکت ملی نفت در ساختمان مرکزی شرکت در آبادان، در پی حمایت های وسیع مردمی پرداخت.

دکتر موسویان سپس با اشاره به روند ملی شدن صنعت نفت به بررسی کارشناسی سیاستهای اقتصادی دکتر مصدق، اعتقاد به دموکراسی در دولت مصدق و بررسی سیاست خارجی دولت مصدق پرداخت.

پس از پایان سخنرانی دکتر موسویان، دکتر مهدی مویزاده عضو شورای مرکزی و عضو هیئت اجرایی جبهه ملی ایران سخنرانی خود را درباره کودتای ۲۸ مرداد آغاز کرد. ایشان در ابتدا به لایحه قانونی که دکتر مصدق به تصویب رساند اشاره کرده و برای نمونه مواردی را مورد بررسی قرار داد. ایشان سپس به مسئله ۹ اسفند ۱۳۳۱ پرداخت و تأکید کرد که مقدمات کودتای ۲۸ مرداد پس از شکست دولت ۹ اسفند شکل گرفت.

دکتر مویزاده عنوان نمود که دکتر مصدق معتقد بوده که طرح اصلی قتل وی در روز ۱۹ اسفند هندرسون بوده است اصرار هندرسون به ملاقات با مصدق در ساعت هفت برای خروج دکتر مصدق از کاخ سلطنتی در زمانی بود که او باوش در مقابل کاخ به مصدق کشد. دکتر مصدق تجمع کرده بودند. هنگامی که به دکتر مصدق با هندرسون ملاقت نمود، هندرسون هیچ خبر و سخن تازه ای نداشت است.

دکتر مویزاده سپس به بررسی کودتای ۲۸ مرداد و طرح آزادکس پرداخت و در پایان به نتایج این کودتا اشاره کرد. وی عنوان نمود که در دادگاه چه منجر به سقوط دولت ملی دکتر مصدق گردید اما دارای جنبه های مثبتی نیز بود از جمله اینکه افکار نهضت ملی در نزد ملت ایران پخته تر شد و مردم به آنچه در کشورشان می گذشت آگاه تر شدند. امروز خود امریکاییان آنرا نمی کنند که اگر کودتای ۲۸ مرداد را انجام ندادند بودند. امروز نیروی مردم در خاورمیانه شکل نمی گرفت. قانون برای مصالح ملت است نه ملت برای قانون و بنابراین مصدق همه بررسی را اگر سابقه قانونی هم نداشت به عنوان یک حق عمومی مطرح کرد و گفت که صاحبان اصلی ملک ملت هستند و ملت می تواند بیاید و به صراحت و بطور مستقیم در مورد مسائل مملکت اظهار نظر کند.

نشریه داخلی

پیام جبهه ملی ایران

با یاد دکتر مهدی آذر

تهران - صندوق پستی: ۱۱۴۹ - ۱۵۸۱۵

E-mail: jebhemelliiran@yahoo.com